



نقش تطبیق معیارهای تضمین کیفیت و اعتباردهی در تولید دانش

عتیق الله رحیمی^۱

معاون علمی و استاد پوهنچی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون جامی، هرات - افغانستان

میر عثمان ایوبی

استاد پوهنچی کامپیوتر ساینس پوهنتون جامی، هرات - افغانستان

چکیده

تضمین کیفیت و اعتباردهی جزء ارکان مهم تحصیلات عالی افغانستان است که با ارزیابی نهادهای تولیدکننده دانش و تطبیق درست معیارهای ارتقای کیفیت توانسته است گام‌های ارزش مندی در راستای نوآوری‌های علمی کشور بردارد. شاخص‌های مشخص شده‌ای برای تولید دانش و ارتقای کیفیت وجود دارد که با وحدت یک‌دیگر و تمسک به کار شیوه‌های علمی در راستای تولید دانش عملی می‌شوند. تولید دانش با کیفیت عالی بدون وحدت درونی شاخص‌ها و عناصر این فرایندها که همانا تطبیق درست معیارها ممکن نیست. سؤال اصلی این است که نقش تطبیق معیارهای تضمین کیفیت و اعتباردهی در تولید دانش چگونه است؟ به نظر می‌رسد تطبیق معیارهای تضمین کیفیت و اعتباردهی در تولید دانش تأثیر مثبت داشته. در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی و با ابزارهای کتابخانه‌ای، مقالات و سایت‌های معتبر استفاده شده است.

۱. نویسنده مسئول: a.rahimi@jami.edu.af

یافته‌ها نشان می‌دهد که تطبیق معیارهای ارتقای کیفیت تحصیلات عالی افغانستان از جمله برنامه استراتژیک با دورنگری نسبت به واقعیات و موقعیت‌های موجود در نهادهای تولیدکننده دانش، راهبردها و تاکتیک‌های مؤثری جهت نوآوری در دانش ارائه می‌دهد، و این نهادها با سهم‌گیری در انکشاف جامعه از طریق تربیه نیروی متخصص و مجهز با دانش روز، سرمایه‌گذاری برای ایجاد فضای مناسب جهت انجام تحقیقات علمی توسط استادان، کارمندان و محصلان، و هم‌چنین فراهم‌آوری امکانات و تجهیزات تکنالوژیکی در راستای ایجاد سهولت هرچه بهتر برای فراگیران علم و دانش توانسته‌اند تحول علمی عظیمی در نظام تحصیلات عالی به وجود آورند.

واژه‌گان کلیدی: تضمین کیفیت، اعتباردهی، شاخص‌ها، برنامه استراتژیک، تولید دانش.



Role of Quality Assurance and Accreditation Criteria in Knowledge Production

Atiqullah Rahimi¹

Vice chancellor and Law and Political Science Faculty, Jami University,
Herat, Afghanistan

Mir Osman Ayoubi

The faculty of computer science, Jami University, Herat, Afghanistan

Abstract

Quality assurance and accreditation are essential components of higher education in Afghanistan. By evaluating knowledge-producing institutions and correctly applying quality enhancement criteria, valuable steps have been taken towards scientific innovation in the country. There are specific indicators for knowledge production and quality enhancement that, together and by adhering to scientific standards, contribute to the practical production of high-quality knowledge. High-quality knowledge production is not possible without internal coherence of these indicators and elements, which essentially requires the proper alignment of the criteria. The main question is: What is the role of aligning quality assurance and accreditation criteria in knowledge production? It appears that aligning quality assurance and accreditation criteria has a positive impact. This research utilizes a descriptive-analytical method and relies on library resources, articles, and reputable websites.

Findings show that aligning quality enhancement criteria in Afghan higher education includes: strategic planning with a forward-looking perspective towards the realities and existing conditions in knowledge-producing institutions, providing effective strategies and tactics for innovation in knowledge, contributing to societal development through the education of specialized and knowledgeable workforce, investing in creating an appropriate environment for scientific research by faculty members, staff, and students, as well as providing technological facilities and equipment to facilitate better learning and acquisition of knowledge. These efforts have led to a significant scientific transformation in the higher education system.

Keywords: Quality assurance, accreditation, indicators, strategic planning, knowledge production.

1. . a.rahimi@jami.edu.af

مقدمه

تولید علم فرایندی است که تحقق آن نیازمند وجود اندیشه تولیدکننده است که با مفاهیم اساسی و اصول علم نوین و معیارات و استانداردهای جهانی آشنا باشد. اهدافی که رسیدن به آن‌ها نیازمند تطبیق درست معیارهای تضمین کیفیت و اعتباردهی است که می‌تواند در راستای تقویت نیروی متخصص و اکادمیک و هم‌چنین ارتقای کیفیت زنده‌گی شهروندان یک کشور تأثیر بسیار زیادی داشته باشد.

در پلان استراتژیک و خصوصاً چشم‌انداز هر کشور نقش برجسته‌ای به حوزه علوم انسانی در راستای ارتقای زنده‌گی شهروندان کشور داده شده است. در سال‌های اخیر با استقبال بخش‌های مختلف جامعه و تقاضا برای ایجاد حوزه‌های مختلف علمی مطابق به عناصر جهانی و امروزی شدن دانش، وزارت تحصیلات عالی کشور دست به ایجاد بخش‌هایی چون ریاست ارتقای کیفیت و اعتباردهی زده است و با ایجاد این ریاست در صدد این برآمده است تا با تطبیق معیارهای اعتباردهی و تضمین کیفیت در راستای تولید علم گام‌های ارزنده برداشته باشد.

فرایند تولید دانش شامل مجموعه‌ای از عناصر اندک که دارای نظم و وحدت درونی است که طی مدیریت کیفی و مطابق به معیارات جهانی به اهداف خود می‌رسند. این عناصر را نمی‌توان جدا از هم دیگر و بدون توجه به تأثیرگذاری متقابل و جایگاه هر یک درین مجموعه مورد بحث قرار داد. جدا از این‌که مجموعه عناصر تولید علم با هم در راستای تولید دانش از وحدت درونی برخوردارند، به تنهایی خود نیز هر کدام از انسجام درونی برخوردار است و برای عملی شدن آن‌ها عواملی درونی وجود دارد که می‌تواند در کوتاه مدت و میان مدت قابلیت اجراء را داشته باشد. برای همین منظور لازم است که قلمروهایی از فرایندهایی که زمینه‌ساز تولید دانش مطابق به معیارات جهانی اعتباردهی اند به صورت کیفی و اصولی تعریف شوند که با شناخت این عناصر و معیارات و تطبیق آن‌ها در راستای تولید دانش می‌توان برای دانش بشری چشم‌اندازهای جدیدی طراحی کرد.

در این پژوهش می‌خواهیم بپردازیم به اینکه تطبیق معیارهای جهانی ارتقای کیفیت و اعتباردهی چه تأثیری بر فرایند تولید دانش داشته است؟

بدون شک در عرصه تضمین و ارتقای کیفیت هر سازمانی نیازمند معیارهای مؤثر و کارا



است و بنابر ساختار اداری و تشکیلاتی خود می‌تواند از مفیدیت معیارها و شاخص‌های تعیین شده بیش‌ترین استفاده را ببرد. فهم معیارها و تحلیل آن‌ها، نکته مؤثریت و کارایی تطبیق معیارها در سازمان‌ها است و از آنجایی که تحلیل نظری از معیارها توسط اشخاص متفاوت صورت می‌گیرد، می‌تواند چگونگی تطبیق و کارایی آن‌ها را نیز مورد تأثیر قرار دهد. وزارت تحصیلات عالی افغانستان نیز مانند سایر کشورها برای ارتقای کیفیت در تحصیلات عالی کشور دست به ایجاد ریاست ارتقای کیفیت در چوکات وزارت تحصیلات عالی زده است. این ریاست به منظور تضمین و ارتقای کیفیت، معیارهای متفاوت را در سطح نهادهای تحصیلات عالی کشور وضع نمود که آخرین ساختار آن به ۱۱ معیار اصلی و ۴۹ معیار فرعی تقسیم می‌شود. آنچه که مسأله‌ساز گردیده تحلیل‌ها و تعابیر متفاوت و متعدد از معیارهای تضمین کیفیت است که این امر منجر به بروز مشکلات در تطبیق مؤثر معیارهای ارتقای کیفیت شده است. روی این صورت در این پژوهش سعی می‌نمائیم تا تحلیل نظری جامع‌تری را از معیارهای تضمین کیفیت ارائه نماییم تا باشد که در تطبیق بهتر و مؤثرتر معیارهای ارتقای کیفیت کمکی کرده باشیم.

سؤال اصلی این است که نقش تطبیق معیارهای تضمین کیفیت و اعتباردهی در تولید دانش چگونه است؟ به نظر می‌رسد تطبیق معیارهای تضمین کیفیت و اعتباردهی در تولید دانش تأثیر مثبت داشته.

از نگاه پیشینه، در مورد این موضوع تا هنوز کدام تحقیق علمی و منظمی صورت نگرفته است و همین مسأله از یک طرف باعث بکر و جدید بودن این پژوهش می‌شود و از طرفی دیگر تحقیق را با چالش‌ها و محدودیت‌های فراوان روبه‌رو می‌سازد که از جمله مهم‌ترین این محدودیت‌ها می‌توان به کمبود منابع اشاره کرد.

هدف اصلی در این پژوهش بررسی و پرداختن به موضوع نقش تطبیق معیارهای تضمین کیفیت و اعتباردهی در تولید دانش است.

این بحث از آن رو ضروری به نظر می‌رسد که نظام تحصیلات عالی کشور با این‌که سابقه دیرینه دارد؛ ولی به شکل جدید آن، تا حدودی نوپا است و از نگاه کیفی و ساختاری در پهلوی جنبه‌های خوب آن طبعاً کاستی‌هایی نیز دیده می‌شود.

در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی و برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار کتابخانه‌ای، مقالات و فصلنامه‌ها استفاده شده است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که تطبیق معیارهای ارتقای کیفیت تحصیلات عالی افغانستان از جمله برنامه استراتژیک با دورنگری نسبت به واقعیات و موقعیت‌های موجود در نهادهای تولیدکننده دانش، راهبردها و تاکتیک‌های مؤثری جهت نوآوری در دانش ارائه می‌دهد، و این نهادها با سهم‌گیری در انکشاف جامعه از طریق تربیه نیروی متخصص و مجهز با دانش روز، سرمایه‌گذاری برای ایجاد فضای مناسب جهت انجام تحقیقات علمی توسط استادان، کارمندان و محصلان، و هم‌چنین فراهم آوری امکانات و تجهیزات تکنالوژیکی در راستای ایجاد سهولت هرچه بهتر برای فراگیران علم و دانش توانسته‌اند تحول علمی عظیمی در نظام تحصیلات عالی به وجود آورند.

۱. چارچوب نظری

پژوهش حاضر از اندیشه "اجتماع علمی" مطالعه لودویک فلک در سال ۱۹۳۵ ریشه می‌گیرد. به قول جاکوبز در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ این نگرش در بین دانش پژوهان غالب بود که معرفت علمی به وسیله اجتماعات علمی، در سطوح مختلف عمومیت از دانش‌مندان فعال در یک کشور تا گروه‌های کوچک متخصصین تولید می‌شود. در طول این دهه‌ها وجود اجتماعات علمی به عنوان امری مسلم و بی‌نیاز استدلال مفروض گرفته می‌شود (جاکوبز، ۱۹۸۷: ۲۶۶).

در گذشته نیز به مسأله تولید دانش معیاری توجه فراوانی شده است که از آن جمله می‌توان به اجتماع علمی اشاره کرد که امروزه نیز جزء معیارها و استانداردهای علمی نهادهای تولیدکننده علم بشمار می‌رود و یکی از معیارهای اساسی نهادهای تولیدکننده دانش ایجاد فضای گفتگویی دانش‌محور، تجمعات و کنفرانس‌های علمی و تحقیقات و پژوهش‌های گروهی می‌باشد.

۲. بررسی چيستی کیفیت

کیفیت را به صورت مجموعه‌ای از ویژه‌گی‌ها و خصوصیات کلی کالاها و خدمات که برای برآوردن احتیاجات و پاسخ‌گویی به تقاضای مشتری، مهم و با اهمیت هستند تعریف می‌کند. با توجه به مفهوم کیفیت در تحصیلات عالی به معنی تولید کالا و خدمات مطابق با تقاضاها و استانداردهای موردقبول مخاطب است. در ادبیات موجود در زمینه مدیریت، کیفیت به عنوان میزان انطباق تولیدات با تقاضاها و هم‌چنین رضایت مصرف‌کننده



نیز تعریف شده است. کافمن و هرمن کیفیت را انطباق وضع موجود با استانداردهای از قبل تعیین شده و متناسب بودن ویژه‌گی‌های عناصر با انتظارات می‌دانند. کیفیت در تحصیلات عالی به تغییر یا تغییراتی گفته می‌شود که در رفتارهای یادگیرنده پیدا می‌شوند. پس یکی از معیارهای معتبر کیفیت تغییر رفتار یادگیرنده است. کیفیت در همه ابعاد رفتار یادگیرندگان ظاهر می‌شود یعنی از نوعی جامعیت و کلیت برخوردار است (مؤمنی راد، علی آبادی، ۱۳۸۹: ۲).

۳. تضمین کیفیت در نظام تحصیلات عالی

برای کیفیت تعاریف متعددی مطرح شده است. با این وجود رویکردهای مختلف به عنوان کیفیت را می‌توان در پنج مقوله مختلف شرح زیر طبقه‌بندی نمود:

۱. کیفیت به عنوان پدیده‌ای استثنایی و عالی (ویژه کاملاً متمایز و عالی که بالاتر از استانداردهای موجود باشد)؛
 ۲. کیفیت به عنوان کامل یا کامل کننده (تولید محصول بدون هرگونه ضایعه، کاستی و به صورت مداوم و دقیقاً بر اساس استانداردهای مربوطه)؛
 ۳. کیفیت بر اساس هزینه - فایده (ارزش، اثربخشی، کارایی، حسابرسی، رقابت و ...)
 ۴. کیفیت به عنوان تحقق اهداف؛
 ۵. کیفیت به عنوان بهبود ارتقای مستمر (ارزش افزوده، ارتقای مستمر ذینفعان و ...).
- با این وجود در بررسی کیفیت تحصیلات عالی به ویژه در محیط‌های یادگیری نوین، معمولاً بر رویکردهایی به شرحی که در ادامه می‌آید تأکید می‌شود:
۱. کیفیت بر اساس تحقق اهداف (بازرگان، ۱۳۷۴: ۳۰)؛
 ۲. کیفیت بر اساس هزینه - فایده؛
 ۳. کیفیت به عنوان بهبود و ارتقای مستمر.

بر طبق نظرهای هارمن (۲۰۰۱) تضمین کیفیت یک فرایند ارزیابی و سیستماتیک مدیریت در نظام‌های پوهنتون‌ها برای نظارت بر اهداف و اطمینان از دستیابی به خروجی‌های با کیفیت و بهبود مستمر کیفیت آن‌ها می‌باشد؛ به طور خلاصه رویکردی برای مدیریت کیفیت مناسب می‌باشد که بر روی مدیریت فرایند متمرکز شده و هدف از آن تطابق فرایندها و استانداردهایی که تعریف گردید می‌باشد یکی از رویکردهای مورد استفاده در مدیریت تضمین کیفیت نظام‌های اعتبارسنجی هستند (ظفری پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۴).

۴. نیاز به تطبیق معیارهای ارتقای کیفیت در تحصیلات عالی

در قرن بیست و یکم دغدغه ارزیابی و مدیریت ارتقای کیفیت تحصیلات عالی در اغلب کشورهای جهان از جمله دغدغه‌های اصلی نظام تحصیلات عالی می‌باشد که برای رویارویی با این دغدغه بخش‌های تضمین کیفیت و اعتباردهی پوهنتون‌ها در اغلب نظام‌های تحصیلات عالی کشورها به وجود آمده است. بخش تضمین کیفیت و اعتباردهی در تجربه‌های جهانی با این که از برخی وجوه اشتراک کامل برخوردارند، اما از جهات زیادی تنوع و گوناگونی بسیار در آن‌ها مشاهده می‌شود (فراست خواه و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۳).

یکی از ویژگی‌ها که در موارد متعددی می‌توان ملاحظه کرد ساختار شبکه‌ای است. در افغانستان نیز ساختار سازی جهت ارتقای کیفیت و اعتباردهی در نظام تحصیلات عالی، کوشش برای ارزیابی مستمر و مدیریت کیفیت تحصیلات عالی به عمل آمده است؛ اما این کوشش‌ها در صورتی می‌تواند به بهبود کیفیت بینجامد که در قالب یک نظام ارزیابی و اعتبار سنجی طراحی شده و برای اجرای آن ساختارسازی شده باشد. علاوه بر آن اعضای هیئت علمی نظام تحصیلات عالی کشورها نسبت به ساختار ارزیابی کیفیت آموزش عالی دل‌بستگی لازم را به دست آورده باشند تا فرهنگ ارزیابی و بهبود کیفیت در پوهنتون‌ها گسترش یابد. ساختار ارزیابی و اعتباردهی تحصیلات عالی کشورها باید چنین باشد که ضمن رعایت اقتدار علمی هر پوهنتون نوآوری و حس برتری جوئی علمی را در اعضای هیئت علمی هر پوهنتون تقویت کند. امر دستیابی به کیفیت آموزش عالی را میسر می‌کند. همان‌طور که اشاره شد، یکی از ساختارهای مناسب برای ارزیابی نهادهای تحصیلات عالی در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای که تجربه شده است شبکه تضمین کیفیت است (بازرگان، ۱۳۸۶: ۲۳).

علمای تعلیم و تربیت، کیفیت نظام را بر اساس شاخص‌هایی چون نسبت بین استاد و محصل، صلاحیت هیئت رهبری، مقدار فضا و لوازم و تجهیزات نسبت به تعداد فراگیران، هزینه‌ها و در نهایت موفقیت در امتحانات می‌سنجند.

برنامه‌ریزان هدف از مطرح کردن مسئله کیفیت را آگاهی از میزان موفقیت‌های نظام آموزشی در راه عملی ساختن اهداف خود، شناسایی و رفع مشکلات احتمالی موجود بر سر راه آن‌ها و سرانجام، یافتن راه‌های که منجر به تحقق هر چه بیشتر و بهتر اهداف آن‌ها می‌شود، می‌دانند (راجرز و راجلین، ۱۳۷۰: ۱۰).



هم چنین عوامل مهم و زیربنایی در تولید دانش تعریف و استخراج معیارهای جهانی تحصیلات عالی است که این معیارها در واقع مجموعه یکپارچه‌ای از قوانین هستند که باعث می‌شوند عناصر زیربنای تحصیلات عالی در همه جا به صورت یک پارچه و معیاری عمل کنند. معیارها و استانداردهای جهانی تحصیلات عالی قوانین مشترکی را بر نوآوری در تولید دانش اعمال می‌کنند که بر چگونگی تولید دانش و تطبیق درست معیارها خط مشی منظم تعیین می‌کنند.

با ایجاد بخش تضمین کیفیت و اعتباردهی در نظام تحصیلی افغانستان درپچه جدیدی در راستای تولید علم و دانش به روی نهادهای تحصیلی این کشور باز شد و تمامی نهادها همواره می‌کوشند تا با تطبیق درست معیارها در نصاب تحصیلی خویش به تعهد خود که همانا تربیه نیروی انسانی متخصص و ماهر می‌باشد عمل کنند. تولید دانش بدون تمسک به کار شیوه‌های مطمئن علمی عملی نیست. در این راستا، تطبیق معیارهای تضمین کیفیت که از جدیدترین استانداردهای علمی جهانی پیروی کرده است؛ می‌تواند نقش چشم‌گیری در اعتباردهی تولید دانش ایفاء کند، زیرا این دو لازم و ملزوم و مکمل هم‌دیگرند.

۵. شاخص‌های تضمین کیفیت و اعتباردهی در نظام تحصیلات عالی

با توجه به تجربه‌های حاصل از ارزیابی آموزش عالی، پنج رویکرد عمده برای ارزیابی کیفیت در تحصیلات عالی مورد استفاده قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از:

۱. ارزیابی درونی (خودارزیابی)؛
 ۲. ارزیابی برونی؛
 ۳. تحلیل آماری و رفتار نظام تحصیلات عالی با استفاده از نشان‌گرهای عملکرد؛
 ۴. نظرسنجی از محصلان، دانش‌آموختگان، کارفرمایان و نهادهای تخصصی؛
 ۵. آزمون دانش، نگرش و توان دانش‌آموختگان (بازرگان و همکاران، ۱۳۷۹: ۹۲).
- الزام‌های توجه به کیفیت را می‌توان در چهار مقوله دسته‌بندی کرد که عبارت‌اند از:
۱. الزام اخلاقی: گویای این مسئله است که مشتریان و مراجعین خدمات آموزشی (درون و برون‌سازمانی) لایق خدمات یا بهترین کیفیت آموزشی ممکن هستند؛
 ۲. الزام حرفه‌ای: ارتباط تنگاتنگی با الزام اخلاقی دارد و نشان‌دهنده وظایف همه کسانی است که درگیر خدمات و تلاشی سخت برای فراهم آوردن معیارهای بالای

تحصیلات عالی و تولید دانش هستند؛

۳. الزام رقابتی: بیانگر آن است که رقابت در دنیای آموزش، واقعیتی انکارناپذیر است؛
۴. الزام مسئولیت پذیری و پاسخ‌گویی: بر اساس این مؤلفه باید خواسته‌های جامعه را در تربیت نیروی انسانی، مسئولیت‌پذیری بیشتر و خدمات، برآورده سازند.

۶. واری، ارزیابی، اعتبار سنجی و نقش آن‌ها در بهبود کیفیت

برحسب تعریف، واری کیفیت فرایندی است که برای قضاوت درباره کیفیت به کار می‌رود و از سه بخش تشکیل شده است:

۱. قضاوت درباره مناسب بودن برنامه‌ها و شیوه‌های طراحی شده برای تحقق هدف‌های بیان شده؛
 ۲. تطابق فعالیت‌های انجام شده با برنامه‌های اجرا شده؛
 ۳. قضاوت درباره اثربخشی فعالیت‌ها نسبت به تحقق هدف‌های بیان شده است. به عبارت دیگر، ممیزی کیفیت در آموزش عالی نظارت می‌کند که تا چه اندازه هدف‌های مورد نظر تحقق یافته‌اند؛ اما ارزیابی کیفیت در تحصیلات عالی مفهومی است که ابعاد آن فراتر از ممیزی کیفیت است؛ زیرا در ارزیابی نه تنها برنامه‌ها و شیوه‌های اجرایی مورد قضاوت قرار می‌گیرند، بلکه از جمله کارکردهای مدیریت پوهنتون‌ها منظور می‌شوند (بازرگان، ۱۳۹۳: ۲۲).
- بدین ترتیب ارزش‌یابی آموزش عالی علاوه بر این که کیفیت تحقق هدف‌ها را مدنظر قرار می‌دهد، درباره فرایند عملیات و دروندادهای آن نیز قضاوت می‌کند. بلاخره «اعتباردهی فرایندی است که به وسیله آن یک سازمان صلاحیت مراکز تحصیلاتی و پوهنتون‌ها را مورد تأیید قرار می‌دهد» (بازرگان، ۱۳۸۳: ۶۷).

۷. تضمین کیفیت و اعتباردهی در نظام تحصیلات عالی افغانستان

ریاست ارتقای کیفیت و اعتباردهی در سال ۱۳۹۱ در چوکات وزارت تحصیلات عالی ایجاد گردید. هدف از ایجاد این ریاست، انکشاف سیستم تحصیلات عالی با کیفیت می‌باشد. این اداره جریان ارتقای کیفیت و اعتباردهی را راه‌اندازی، نظارت و مراقبت می‌نماید. این اداره، تسهیلات لازم را برای طرح معیارهای کیفی تحصیلات عالی فراهم نموده، بهبود کیفیت را تشویق، از برنامه‌های ارتقای کیفیت به طور مستمر نظارت و از تأمین حداقل

معیارها توسط نهادهای تحصیلات عالی اطمینان حاصل می‌نماید. هم‌چنین این اداره بررسی خواهد نمود که آیا نهادهای تحصیلات عالی، بر اساس نیازهای افغانستان خدمات را عرضه نموده؛ شرایط کیفی مورد نیاز کشور را تأمین می‌کند (ریاست ارتقای کیفیت، ویب سایت: ۱۳۹۱).

خلاصه معیارهای تضمین کیفیت و اعتباردهی در نظام تحصیلات عالی افغانستان قرار ذیل اند:

۱. مأموریت و استراتژی: موسسه دارای یک مأموریت و پلان استراتژیک واضح می‌باشد که برای تمام شرکای کاری قابل فهم بوده و این پلان اساسات تصمیم‌گیری و تخصیص منابع را برای موسسه فراهم می‌نماید؛
۲. سهم‌گیری در انکشاف جامعه: موسسه سهم ارزش مندی را در جامعه، منطقه، محل و انکشاف ملی ایفاء می‌نماید، این امر در اهداف استراتژیک منعکس یافته و پیرامون اتخاذ تصامیم و فعالیت‌های کارمندان و محصلان آگاهی می‌دهد؛
۳. حاکمیت، رهبری و اداره: حاکمیت، رهبری و اداره موسسه روی رسیدن به مأموریت و اهداف استراتژیک آن متمرکز می‌باشد؛
۴. منابع مالی و اداری: منابع مؤسسه غرض نیل به مأموریت و پلان استراتژیک تخصیص داده شده و تنظیم می‌گردد؛
۵. برنامه‌های آکادمیک: برنامه‌های آکادمیک با مأموریت موسسه مطابقت داشته و غرض کسب اطمینان از آوردن اصلاحات دوامدار بررسی و مرور می‌شود؛
۶. تحقیق: مؤسسه در نظر دارد تا فعالیت‌های تحقیقی خویش را انکشاف داده و اطمینان دهد که استادان به طور فعال در کارهای تحقیقی مشغول می‌باشند؛
۷. استادان و کارمندان: موسسه استادان و کارمندان خویش را مقرر، مدیریت و انکشاف داده تا اطمینان دهد که قادر به رسیدن به مأموریت و اهداف استراتژیک خویش می‌باشد؛
۸. تجارب محصل: موسسه از ایجاد فضای مثبتی اطمینان می‌دهد که در آن محصلان می‌توانند بهتر بیاموزند، انکشاف یابند و موفقیت کسب کنند؛
۹. ارتقای کیفیت و بهبود: موسسه غرض بررسی و اصلاحات دائمی در کیفیت جنبه‌های فعالیت‌های ساختارها و پروسه‌هایی را روی دست دارد؛

۱۰. کتابخانه و منابع معلوماتی: موسسه جهت دسترسی محصلان و استادان کتابخانه و منابع معلوماتی مناسب را مهیا می‌سازد؛
۱۱. تدریس، تکنالوژی معلوماتی و سهولت‌ها: املاک مؤسسه تحصیلی و زیربنای تکنالوژی معلوماتی در دست‌یابی به مأموریت و اهداف استراتژیک موسسه کافی می‌باشد (ریاست از تقای کیفیت، وب سایت، ۱۳۹۱).

معیارهای فوق‌برگرفته از معیارهای نظام‌های تحصیلات عالی جهانی با استانداردهای قبول شده می‌باشند که نظر به نیازهای جامعه تحصیلات عالی افغانستان مشخص و تعیین شده است و با تمسک به روش‌های جدید و امروزی می‌توان برای رشد و شکوفایی نظام تحصیلات عالی امیدوار بود و هم‌چنین می‌توان از زیربناها و عناصر اساسی در راستای تولید دانش و پاسخ به نیازهای امروزی جامعه تطبیق درست معیارهای فوق‌را دانست.

۱-۷. تولید دانش

تولید دانش فرایندی جدید همگام با تحولات امروزی در صحنه جامعه انسانی است. بخاطری که در گذشته روند گسترش علوم و نوآوری در علم به اندازه‌ای کند بود که اصطلاح تولید دانش چندان مفهوم و اعتباری نداشت؛ اما در دو قرن اخیر علم توانسته است در تمام ابعاد زنده‌گی بشر از جمله: قدرت، ثروت، رفاه و هم‌چنین در راستای تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملت‌ها باعث ایجاد تحولات و دگرگونی‌های عظیمی شود. طوری که علم به عنوان یکی از عناصر و فاکتورهای تأثیرگذار در سطح بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته است. علم با کیفیت و معیارهای استاندارد شده توانسته است در اقتدار ملی، استقلال، تولید، رفاه، امنیت و دفاع کشورها تأثیرگذار باشد (منصوری، ۱۳۹۳: ۲).

تطبیق معیارهای تضمین کیفیت بدون شک می‌تواند در دگرگونی علم و زندگی شهروندان در جامعه بسیار مؤثر واقع شود، طوری که در این معیارها برای انکشاف مسائل فوق‌تأکید گردیده است. مثلاً معیار دوم تضمین کیفیت روی سهم‌گیری در انکشاف جامعه تأکید شده است و نهاد تولیدکننده با تطبیق این معیار می‌تواند در شکوفایی جامعه با تربیه نیروی انسانی متخصص در حوزه‌های مورد نیاز جامعه از جمله: اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نقش مهمی ایفا نمایند.

۱-۱-۷. جهان‌بینی و تولید دانش

در ابتدا هر روند علمی خیلی از مسائل می‌تواند برای انسان مبهم و مجهول باشد و انسان

را مکلف کند تا با تفکر و جستجو این ابهامات را رفع کند. در روندهای علمی مبهم آنچه نیست/چیزی نیست که انسان‌ها نمی‌دانند؛ بلکه آنچه هست که انسان باور کرده است که نمی‌داند و باید بداند و در اینجا اگرچند جهان‌بینی توانسته است نقش مهمی در این راستا ایفا نماید؛ اما تضمین کیفیت و اعتباردهی در یکی از معیارهای مشخص شده روی این مسأله تأکید نموده است که همانا تحقیق و یا پژوهش می‌باشد.

تطبیق درست این معیار می‌تواند در تولید دانش بسیار مؤثر باشد؛ چنانچه نهادهای تولیدکننده دانش با ایجاد فضای مناسب برای پژوهشگران و یا تربیه نیروی محقق در جامعه هم از استاد، کارمند و دانشجو می‌تواند در واکاوی مسائل مبهم و مجهول و رفع این ابهامات خیلی مؤثر باشد.

هم چنین باور می‌تواند یکی از عناصر مهم در وحدت جهان‌بینی در راستای تولید دانش باشد؛ چنانچه وایتهد گفته است: باور به نظم طبیعت بود که زمینه‌های رشد علم را فراهم کرد. دانشمندان اسلامی نظیر ابوریحان و خواجه نصیر که اولین فرهنگستان علوم اسلامی را در مراغه تأسیس کرد، میان تجسس‌های علمی و جهان‌بینی قرآنی خود رابطه عمیقی می‌دیدند که خداوند، عالم را به عبث نیافریده است. در اسلام نیز برخی جهان‌بینی‌ها آثاری دارد متفاوت با آنچه گفته شده: مانند تفکر اشعری‌ها که با علوم عقلی مخالفت می‌کردند و یا غزالی و ابن خلدون که حتی علوم طبیعی را زیر سؤال می‌بردند و قائل بودند؛ چون طبیعت برای دین و معاش اهمیت ندارند باید آن‌ها را ترک گفت. مقایسه این جهان‌بینی‌ها به وضوح نشان می‌دهد که آن‌ها مولد یا زمینه‌ساز علم‌اند یا به تغییر دیگر، تولید دانش نیازمند قالبی است که جهان‌بینی‌های مختلف در تعیین ساختار این قالب ساختن مجهول جدید برای انسان نقش دارند.

جهان‌بینی‌ها برای علم گزاره‌ساز نیستند، بلکه روش‌سازند به طور مثال فلسفه هیچ‌گاه علم تولید نمی‌کند؛ اما همه قضایا و مطالب علمی و امدار مفاهیم فلسفی‌اند (ابراهیمی، ۱۳۸۴: ۵).

۷-۱-۲. تفکر و تولید دانش

آموختن تکرار مکرر علم ثمرات و آثار محدودی دارد؛ زیرا در این حالت دانسته‌های قبلی به دیگران منتقل شده بدون آنکه توجهی به تحولات و دگونی‌های عینی و بیرونی شده باشد؛ به عبارت دیگر هم‌چنان که شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و حتی اوضاع

طبیعی دچار تحول و دست خوش تغییر می‌شوند. تفکر و تعقل و تدبر سه واژه تقریباً مشابه و مترادفی هستند که از ویژگی‌های اختصاصی انسان و دقیقاً هدف کمال طلبی و برای ارتقای وضعیت زندگی به او هدیه داده شده است.

هرگونه استدلال و فهم در راستای شناسایی پدیده‌های ماحول و طبیعتی که انسان خود را جز آن می‌داند و برایش مجهول است ریشه در تفکر و تعقل انسان دارد و برگرفته از قدرت تفکر و عقل می‌باشد. بازشناسی و بازتعریف و هم‌چنین شناخت پدیده‌ها و خروج از وضعیت نامطلوب به وضعیت مطلوب، تبیین و تحلیل واقعیت‌ها و به ویژه قوانین حاکم بر جامعه جهانی و هم‌چنین عبور از چالش‌های فرا روی هر موضوع نیازمند تفکر، تعقل و تدبر است (منصوری، ۱۳۹۳: ۹).

این جریان زمانی می‌تواند دانش معیاری تولید نماید که فضای مناسب برای رشد فکری وجود داشته باشد که این امر نیازمند نهاد تولیدکننده دانش یا پوهنتون با روشی هدفمند و معیاری است، بناً نهاد تولیدکننده دانش با تمسک به معیارهای ارتقای کیفیت از جمله ایجاد فضای مناسب برای رشد فکری فراگیران علم و دانش، فراهم‌آوری امکانات تکنالوژی روز، و سهولت در نحوه یادگیری می‌تواند رسالت خویش را در این راستا به جا نماید.

۱-۷-۳. تعاملات و ارتباطات علمی و تولید دانش

وجود تعاملات و ارتباطات عمیق بین ذی‌نفعان آموزش در پوهنتون‌ها بیانگر جدی بودن آموزش و به‌طور کلی‌تر توسعه‌یافتگی رشته‌های علمی می‌باشد و ضعف مناسبات پوهنتون‌ها برعکس با دیگر مشکلات رشته‌های علمی پیوند دارد. ارتباط محصلان با اساتید تا حدی است که آموزش عالی بریتانیا با نمونه‌های پوهنتون‌ها آکسفورد و کمبریج از طریق ایجاد ارتباطات غیررسمی استاد و دانشجو از سایر الگوهای آموزش عالی متمایز می‌شود.

ایجاد ارتباطات و تعاملات علمی جزء عناصر اساسی هر نهاد تولیدکننده علم بشمار می‌رود که با معیاری‌سازی این روند می‌تواند در تولید دانش سهم ارزنده داشته باشد، در معیارهای تضمین کیفیت تحصیلات عالی افغانستان نیز روی این مسئله تأکید شده است که ایجاد ارتباطات بین کارمندان، استادان و محصلان می‌تواند در روند جهانی شدن علم، نوآوری‌های علمی و سهم‌گیری در انکشاف جامعه از طریق کارهای پژوهشی و اشتراکی بسیار مفید واقع شود. هم‌چنین تعاملات و ارتباطات علمی با سایر نهاد‌های تولیدکننده دانش می‌تواند فضای مناسبی جهت رشد فکری و داشته‌های علمی تمامی افراد سهیم در

نهادهای ایجاد نماید که این تعاملات منجر به نوآوری در علم می شود.

۴-۱-۷. فضای گفتگو و تولید علمی

دنیای روشنفکری، گفتگوی انبوه و عظیمی است که سرمایه های فرهنگی را در مراسم رویارویی متناوب، همایش ها، جلسات، بحث، مناظره، سخنرانی ها و نیز در تفکر و صورت کتبی گفتگو به جریان و چرخش در می آورد. ساختار توجه در یک اجتماع که منجر به ایجاد ایده مقدس و همبستگی اعضا می شود در جریان همین گفتگوها شکل می گیرد و آنچه فرد را به عنوان روشنفکر و عضو دنیای فکری می کند مشارکت فرد در گفتگوهاست و همین گفتگوهاست که در واقع موانع تولید دانش را برکنار می سازد.

ایجاد فضای گفتگو محور جزء موارد بسیار مهم در نهادهای تولیدکننده دانش می باشد که در معیارهای تضمین کیفیت نیز روی این مسأله تأکید شده است، مثلاً در معیار پنجم؛ تحقیق، معیار ششم؛ استاد و کارمند و معیار هشتم؛ تجارب محصل که در این معیارها روی زمینه سازی و ایجاد فضاهاى گفتگو محور تأکید شده است و بدون شک گفتگو روی مسائل علمی بین فراگیران علم، محققین و آموزگاران می تواند در تولید دانش نوین نقش ارزنده ای داشته باشد.

با در نظر داشت موارد فوق که جزء عناصر اساسی در راستای تولید دانش محسوب می گردند، تطبیق درست معیارهای ارتقای کیفیت در نهادهای تولید کننده دانش یا پوهنتون ها در سطح جهانی توانسته است در این روند مؤثر واقع شوند که به صورت مختصر به بررسی نقش و تأثیر هر معیار تضمین کیفیت نظام تحصیلات عالی افغانستان در راستای تولید دانش می پردازیم.

۲-۷. مأموریت و استراتژی

برنامه ریزی استراتژی و مأموریت یک فرایند پویا است با دورنگری نسبت به واقعیات و موقعیت های موجود، راهبردها و تاکتیک های مؤثری برای رسیدن به فردای بهتر ارائه می دهد. برنامه ریزی استراتژیک متکی به مشارکت همه دست اندرکاران آموزشی می باشد. امروزه تأثیر برنامه های استراتژیک در تمامی سازمان ها بر کسی پنهان نیست، تغییرات سریع و عمده در سازمان ها بر ضرورت و اهمیت برنامه ریزی های استراتژیک و تعیین مأموریت ها تأکید دارند. در عصر حاضر هر سازمانی خصوصاً نهادهای تولید کننده دانش یا پوهنتون ها که بخواهد از رقباى خود پیشه بگیرد، نیازمند برنامه های استراتژیک مدون می باشد (معتدل

و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳). برنامه‌های استراتژیک را باید کوششی نظام‌یافته برای اجرای عملکرد سازمان‌ها جهت رسیدن به مأموریت و اهداف تعیین شده دانست؛ برنامه‌های استراتژیک اهداف سازمان را با توجه به رسالت آن تعیین و از طریق مطالعات محیطی، فرصت‌ها و تهدیدها، نقاط قوت و ضعف سازمان را شناسایی می‌کند تا از این طریق هدف‌های واقع‌بینانه‌تری را تعیین و به اجرا درآورد. بکارگیری برنامه‌های استراتژیک توسط مدیران سازمان‌های تولیدکننده دانش در محیط‌های پوهنتون می‌تواند در راستای تولید دانش در درازمدت و کوتاه مدت مثمر واقع شود.

از آنجایی که برنامه‌ریزی‌های استراتژیک طراح آینده مطلوب و راه مؤثر برای رسیدن به این آینده است، هدف آن بهبود عملکرد سازمان‌ها می‌باشد. تعیین برنامه‌های استراتژیک در پوهنتون‌های افغانستان توانسته است در راستای تولید دانش بسیار مفید واقع شوند و از آنجایی که جزء معیارهای ارتقای کیفیت در نظام تحصیلات عالی کشور می‌باشد، تطبیق آن نیز جزء اصول در فرایند تولید دانش، بهبود کیفیت دانش و معیاری شدن و جهانی شدن نظام تحصیلات عالی افغانستان می‌باشد.

۷-۳. سهم‌گیری در انکشاف جامعه

از آنجایی که پوهنتون‌ها به عنوان مراکز عمده تولیدکننده دانش محسوب می‌شوند، مطابق به برنامه‌های استراتژیک خویش رسالت‌های برای رسیدن به اهداف خویش دارند که از آن جمله سهم‌گیری پوهنتون‌ها در انکشاف جوامع است. سهم‌گیری پوهنتون‌ها در انکشاف جامعه می‌تواند بر اساس نیازهای جوامع باشد که از اساسی‌ترین مباحث آن تربیه نیروی متخصص و ماهر برای جوامع است، نیروی که محرک اصلی بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع محسوب می‌شوند، بدون شک عمده‌ترین عناصر ایجادکننده فضای مبتنی به رفاه و نیروی رشد جوامع و زندگی شهروندان یک کشور نیروی متخصص در حوزه‌های موردنیاز جوامع می‌باشد (هابرماس، ۱۳۷۳: ۲).

مراکز تولیدکننده دانش در کنار تربیه نیروی متخصص موردنیاز برای جوامع باید به فکر بازتولید گسترده اشاعه امر آموزش در سطح بسیار وسیع باشند. علاوه بر این پوهنتون‌ها نه تنها باید دانش از نظر فنی قابل بهره‌برداری را انتقال دهند، بلکه باید به فکر تولید، گسترش و اشاعه چنین دانشی نیز باشند.

نیروی متخصص و ماهر پوهنتون‌ها می‌توانند نقش ارزشمندی در راستای ایجاد فضای

مبتنی به رفاه، رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زندگی شهروندان یک کشور ایفا نماید و این روند با انجام تحقیقات، بررسی چالش‌ها و فرصت‌ها جامعه، بررسی سطح افکار افراد جامعه، تطبیق درست معیارهای فکری در جوامع امکان‌پذیر است.

بنامی توان گفت پوهنتون‌ها همواره وظیفه‌ای را ایفا کرده‌اند که تعریف و یا تعیین حد آن کار چندان ساده‌ای نیست؛ امروزه به راحتی می‌توان گفت این پوهنتون‌ها و نهادهای تولید کننده علم است که با تولید دانش توانسته است خودآگاهی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای افراد یک جامعه به وجود آورند.

۴-۷. حاکمیت، رهبری و اداره

پوهنتون‌ها به عنوان نهادهای تولیدکننده دانش باید دارای رهبری منسجم، اداره اجرایی و حاکمیت در راستای تطبیق معیارهای استاندارد قبول شده جهانی مطابق به نیازهای جامعه خویش باشند. اعضای رهبری و علمی مسئولان اصلی در ساختار پوهنتون‌ها می‌باشند، که همواره باید در راستای تعیین و اجرایی شدن برنامه‌های تطبیقی جهت رسیدن به اهداف و استراتژی‌های تعیین شده تلاش نمایند.

در گذشته‌ها مزیت رقابتی یک سازمان، دسترسی بیشتر به منابع مادی محسوب می‌شد؛ اما امروزه دانش به مثابه سرمایه سازمان‌ها تلقی می‌شود و سازمان‌ها دریافته‌اند که بیش از هر زمان دیگری باید از سرمایه خود مراقبت کنند. بر این اساس خلق، توسعه، انتشار و نهادینه‌سازی دانش در سازمان‌ها موضوع پیچیده‌ای است که توجه زیادی را در ادبیات پوهنتون/دانشگاهی و مدیریتی به خود معطوف کرده است، بنابراین، اصلی‌ترین مزیت رقابتی برای سازمان‌ها، توان آن‌ها در رهبری و اداره دانش است.

حاکمیت، رهبری و اداره در راستای تولید دانش فرایندی بس ارزشمند برای سازمان‌ها و ارتقای عملکرد سازمان‌ها است. گسترش مفهوم رهبری و اداره درست فرایند نوآوری اداره دانش توانسته است محرک اصلی علوم در حوزه‌های مختلف سازمانی باشد و سرانجام به دانش و تحصیلات عالی با معیارهای قبول شده جهانی برسد.

۵-۷. منابع مالی و اداری

جهت رسیدن به اهداف تعیین شده مطابق به استراتژی هر سازمان نیاز به منابع مالی و نیروی انسانی برای بهبود امور اداری خویش دارد و این امر در امور نهادهای تولیدکننده دانش و پوهنتون‌ها نیز صدق می‌کند؛ بنامی بین نظام علم و نظام اقتصادی ارتباط بسیار تنگاتنگی

وجود دارد که آقای: «شالر» علم اثباتی نوین را در چهارچوب نهادهای اقتصادی تحلیل می‌کند. نهاد تولیدکننده علم در عین استقلال، باید با نظام اقتصادی ارتباط کارکردی داشته باشد. بعضی کارکردهای علم نوین برای نظام اقتصادی جوامع عبارتند از: ایجاد فضای دانش محور جهت نوآوری و جهانی نمودن دانش در نظام تحصیلات عالی، تربیه نیروی انسانی متخصص، امکان ارتقای ظرفیت در بخش‌های تحقیقاتی، ارتباط بین سایر بخش‌های جامعه، پوهنتون و بهبود در راستای ارائه خدمات هر چه بهتر می‌باشد. تمامی نهادهای تولیدکننده دانش نیاز به منابع مالی و اداری جهت نوآوری در دانش با کیفیت و معیاری دارند که این نوآوری مبتنی و متکی بر منابع مالی و نیروی انسانی متخصص می‌باشند. منابع مالی می‌تواند در راستای فراهم سازی امکانات جهت رسیدن به اهداف و نوآوری در دانش بسیار مفید باشد و نیروی انسانی ماهر و متخصص با استفاده از امکانات و منابع آماده شده می‌تواند در راستای تولید دانش با کیفیت عالی گام‌های ارزنده بردارند.

۶-۷. برنامه‌های آکادمیک

پایداری و توسعه نظام تحصیلات عالی به عنوان عمده‌ترین نهاد تولیدکننده علم وابسته برنامه‌های علمی و آکادمیک می‌باشد. برنامه‌های آکادمیک در کنار اینکه جزء معیارهای اساسی ارتقای کیفیت و اعتباردهی نهادهای تولید کننده دانش هستند جزء از ارکان مهم دانش‌افزایی و نوآوری در علم می‌باشد.

همان‌طوریکه برنامه‌های آکادمیک و علمی در رشد و توسعه نظام تحصیلات عالی و نوآوری در دانش امروزی جامعه نقش بسیار مهمی دارد. اشکالات و ضعف‌ها در مرحله برنامه‌ریزی آکادمیک نیز تأثیر بسیاری زیادی در کیفیت، ثمربخشی و اجرایی شدن این برنامه‌ها دارد (شریعتی، ۱۳۸۵: ۲).

مسئله کم‌کاری نظام تحصیلات عالی افغانستان در سال‌های گذشته اگرچه به عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی و تکنالوژیکی بستگی داشته است؛ ولی با در نظر داشت بسیاری از موارد می‌توان گفت؛ بیشترین ضعف در برنامه‌های آکادمیک و علمی نهادهای تولید کننده دانش وجود داشته است؛ و اما می‌توان گفت که یکی از اصول اساسی روند تولید دانش برنامه‌های آکادمیک وزارت تحصیلات عالی و نهادهای تولید کننده دانش می‌باشد.

نهادهای تولید کننده علم با استفاده از برنامه‌های استراتژی و مأموریت خود برنامه‌های

عملیاتی و آکادمیک را با معیارهای جهانی روز طراحی می‌کنند و این جزء کار شیوه‌های علمی می‌باشد؛ بنا آرزویایی تطبیق این معیار در این نهادها می‌تواند خط مشی مشخص را جهت نوآوری در دانش روز و جهانی شدن این فرایند به وجود آورد و مثمر واقع شود.

۷-۷. تحقیق

تحقیق به معنای عام، بررسی یا کاوشی سخت‌کوشانه و به معنای خاص، تحقیق و تجربه‌ای جامع با هدف کشف واقعیت‌های نو و تفسیر این واقعیت‌ها، تجدیدنظر در نتیجه‌گیری‌ها نظر به قوانین پذیرفته شده در پرتو واقعیت‌ها کشف شده است. تحقیق یکی از اساسی‌ترین نیازها جهت رسیدن به توسعه همه‌جانبه نظام تحصیلات عالی یک کشور می‌باشد. بدون شک می‌توان گفت، رشد و شکوفایی یک کشور بر تحقیق و تولید دانش استوار است.

و هم‌چنان از جمله موارد مهم در راستای پیشرفت جوامع و تولید دانش ارج نهادن به جایگاه محققان عرصه دانش بخصوص در نظام تحصیلات عالی می‌باشد. آن دسته از جوامعی که ابتدا زمینه و بستر مساعد تحقیق را جهت نوآوری در دانش مهیا ساخته‌اند و آن را خمیرمایه آموزش قرار داده‌اند، امروز مدارج ترقی و بالندگی را هرچه مطلوب‌تری و در زمان کوتاه‌تری سپری کرده‌اند. اکنون جهان در آستانه یک تحول اجتماعی نوین، به نام انقلاب اطلاعاتی قرار دارد که همانند انقلاب صنعتی دارای اهمیت بوده و جهان را دگرگون کرده است. انقلاب اطلاعاتی تمامی جنبه‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است و بیش از همه بر نظام تحصیلات عالی به علت ماهیت آن تأثیر گذاشته است بنا می‌توان گفت تمامی این تحولات در اثر تحقیقات علمی به وجود آمده است و تحقیق از عناصر و ارکان مهم در راستای تولید دانش می‌باشد.

۷-۸. استادان و کارمندان

بدون شک موفقیت‌های علمی نهادهای تولیدکننده دانش نتیجه تلاش استادان و کارمندان این نهادها هستند و استادان و کارمندان این نهادها در راستای تولید دانش نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. نهادهای تولیدکننده علم با حمایت از ایده‌ها و برنامه‌های اساتید و کارمندان و به کارگیری این نظریه‌ها در برنامه‌های راهبردی جهت رسیدن به اهداف تعیین شده و نوآوری در حوزه‌های مختلف علوم می‌توانند نقش بسیار مهمی را ایفا نمایند. نهادهای تولیدکننده دانش با ایجاد فضای مناسب و امکانات موردنیاز برای استادان و کارمندان خویش می‌توانند شرایط دانش‌افزایی و ارتقای ظرفیت را فراهم سازند و رسالت

خویش را در راستای تولید دانش به جا نمایند و هم چنان از جمله مسئولیت های اساسی نهادها در راستای تولید دانش ابتدا، بالابردن سطح ظرفیت کارمندان و استادان نهاد می باشد. با بالارفتن ظرفیت این قشر می توان گفت سطح آگاهی دهی و نوآوری در تولید دانش افزایش می یابد.

استادان و کارمندان یک نهاد تولیدکننده دانش می توانند در مواردی چون انکشاف جامعه، بالابردن سطح فرهنگ و بررسی چالش های فراروی علم و دانش در جامعه گام های ارزنده بردارند.

۹-۷. تجارب محصل

از اصول اساسی نهادهای تولید کننده دانش ایجاد فضای مثبتی برای مراجعین و فراگیران علم می باشد و از ارکان مهم در راستای تولید دانش می توان از محصلان یک نهاد یا پوهنتون نام برد. با اشتراک محصلان در نهادهای تحصیلی؛ فضای گفتگومحور، ارتباطات و تعاملات علمی به وجود می آید که جزء از عناصر اساسی تولید دانش می باشد و با ایجاد این فضا ظرفیت علمی محصلان می تواند انکشاف یابد و در راستای نوآوری های علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تجربه حاصل نماید.

تجارب محصلان در کنار اینکه در راستای موفقیت های فردی و سازمانی نقش مهمی دارد در راستای مسائل دیگری در جامعه از جمله اقتصاد، فرهنگ، سیاست نیز نقش مهمی را ایفا می نماید. به نحوی می توان گفت در انکشاف جامعه سهم ارزنده ای دارد؛ بنأ تجارب دانشجو و ایجاد فضای برای کسب تجربه برای فراگیران علم جز از معیارهای قبول شده جهانی در ارتقای کیفیت و اعتباردهی نظام تحصیلات عالی بوده و تطبیق این معیار در نهادهای تحصیلی از موارد بسیار مهم می باشد که ریاست ارتقای کیفیت و اعتباردهی وزارت تحصیلات عالی بر آن تأکید دارد.

۱۰-۷. ارتقای کیفیت و بهبود

در قرن بیست و یکم دغدغه ارزیابی و مدیریت ارتقای کیفیت تحصیلات عالی در اغلب کشورهای جهان از جمله دغدغه های اصلی نظام تحصیلات عالی است که برای رویارویی با این دغدغه بخش های تضمین کیفیت و اعتباردهی پوهنتون/دانشگاهی در اغلب نظام های تحصیلات عالی کشورها به وجود آمده است. بخش تضمین کیفیت و اعتباردهی در تجربه های جهانی با این که از برخی وجوه اشتراک کامل برخوردارند، اما از جهات زیادی

تنوع و گوناگونی بسیار در آن‌ها مشاهده می‌شود (فراستخواه و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۱).

برنامهریزان هدف از مطرح کردن مسئله کیفیت را آگاهی از میزان موفقیت‌های نظام آموزشی در راه عملی ساختن اهداف خود، شناسایی و رفع مشکلات احتمالی موجود بر سر راه آن‌ها و سرانجام، یافتن راه‌های که منجر به تحقق هر چه بیشتر و بهتر اهداف آن‌ها می‌شود، می‌دانند (راجرز و راجلین، ۱۳۷۰: ۱۰۲).

بخش ارتقای کیفیت در نظام‌های تحصیلی از ارکان بسیار مهم این نهادها بشمار می‌رود و نقش ارزنده در چگونگی تولید دانش با معیارهای قبول شده جهانی علمی ایفا می‌نماید. بخش ارتقای کیفیت پوهنتون‌ها با تمسک به کار شیوه‌های علمی و استفاده از شاخص‌های اعتباردهی که همانا ارزیابی و نظارت از کیفیت کارکرد بخش‌های سازمان می‌باشد، توانسته است در ارتقای کیفیت دانش و نوآوری در دانش بسیار مفید باشد.

۷-۱۱. کتابخانه و منابع معلوماتی

بدون شک می‌توان گفت مؤلدان دانش امروز پژوهشگران نهادهای تولیدکننده علم یا پوهنتون‌ها می‌باشد. برای پشتیبانی اطلاعاتی از این محققان کتابخانه‌ها یا مراکز اطلاعاتی متعدد وجود دارد که مأموریت آن‌ها گردآوردن، سامان دادن، ذخیره و در دسترس قرار دادن دانش موجود است. اصولاً می‌توان گفت نقش کتابخانه‌ها و منابع معلوماتی در تولید دانش غیرمستقیم است؛ بدین معنا که کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی خود در وهله نخست به پژوهش و تولید دانش مستقیماً ارتباط ندارند.

ماهیت نقش کتابخانه‌ها از هر نوع و با هر نام، میانجی‌گرانه و تسهیل‌گرانه است. میانجی‌گری میان تولیدکنندگان «پیام‌های مضبوط» از جمله دانش و استفاده‌کننده نهایی از آن‌ها و تسهیل ارتباط میان آن دو است. کتابخانه‌ها در پوهنتون‌ها و سازمان‌های تحقیقاتی یک بخش خدمت رسان هستند اما خدمتی که ماهیت استراتژیک دارد، زیرا تأمین‌کننده آن چیزی هستند که دستمایه تولید دانش است.

۷-۱۲. تدریس، تکنالوژی معلوماتی و سهولت

تدریس با امکانات روز نیز از جمله عناصر اساسی تولیدکننده دانش می‌باشد که نهادهای تولیدکننده دانش می‌توانند با این کارشیوه در نوآوری‌های علمی گام‌های ارزشمندی بردارند، تکنالوژی در پیشرفت‌های علمی جوامع به عنوان یکی از ابزارهای اساسی کمک نموده است که از آن جمله می‌توان به دانش الکترونیک، منابع اطلاعاتی الکترونیک، اکتشاف

دانش در زمینه‌های مختلف علمی نام برد.

تکنالوژی کارکردهای داده و زبان نشانه‌گذاری قابل‌گسترش نظام‌های مدیریتی دانش مدرن را امکان‌پذیر نموده است و این نشانه‌گذاری‌ها و گسترش نظام‌های تحصیلی مدرن توانسته است سهولتی بس ارزشمند برای پژوهش‌گران و محصلان ایجاد نماید. نوآوری‌های جدید در تکنالوژی با در دسترس قرار دادن شبکه‌هایی با سرعت بالا، امکان تولید و مدیریت مقادیر زیادی از اطلاعات و منابع را متناسب با نیازهای فراگیران دانش در کمترین زمان ممکن در دسترسشان قرار می‌دهد (شریف زاده، ۱۳۸۹: ۹).

و با تطبیق درست این معیار که همانا تدریس با استفاده از منابع تکنالوژی و معلوماتی در راستای تولید دانش می‌باشد می‌توان به آسانی درین راستا گام‌های ارزنده برداشت. همان‌طور که در بالا ذکر گردید معیارهای فوق‌برگرفته از معیارها و استانداردهای جهانی ارتقای کیفیت مطابق به نیازهای جامعه علمی افغانستان می‌باشد که وزارت تحصیلات عالی افغانستان و ریاست ارتقای کیفیت و اعتباردهی روی تطبیق این معیارها تأکید دارند، چنانچه تا اکنون تطبیق این معیارها توانسته است در معیاری‌سازی نهادهای تولیدکننده دانش و ایجاد فضای دانش‌محور جهت تولید دانش در پوهنتون‌ها مفید باشند و پوهنتون‌ها با برنامه‌ریزی و تعیین دیدگاه و مأموریت، سرمایه‌گذاری جهت فراهم‌آوری امکانات مناسب و تحقیق و پژوهش توانسته‌اند دگرگونی علم ایجاد نمایند که نمونه بارز آن‌ها کتاب‌های تألیف شده، ازدیاد کنفرانس‌های علمی، سمپوزیم‌های مقالات علمی، برنامه‌های فرهنگی و گفتگوهای سیاسی و دانش‌محور در سال‌های اخیر می‌باشد.

۸. نتیجه‌گیری

پروژه ارتقای کیفیت یک فرایند دوامدار، مفید، پلان شده و استراتژیک بوده و لازم است تا با دخیل ساختن تمامی گروه‌های ذی‌نفع در تطبیق معیارهای موجود، در کنار انکشاف کمی مؤسسات تحصیلات عالی در کشور، کیفیت آموزش نیز در این نهادها ارتقاء و افزایش یابد. آنچه به اختصار می‌توان گفت این است که تطبیق معیارهای تضمین کیفیت هم در راستای تولید دانش و نوآوری‌های علمی مؤثر بوده است، هم در معیاری‌سازی نهادهای تولیدکننده علم یا پوهنتون‌ها و هم چنین در انکشاف جامعه نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. از این جهت به این نتیجه می‌رسیم که جوامع نیازمند نهاد تولیدکننده علم با معیارها و استانداردهای است که بتوانند نیازهای آن‌ها را برآورده کنند و بدون تطبیق درست معیارها



و استانداردهای تضمین کیفیت تحصیلی این کار دشوار خواهد بود.

بنامی توان گفت اولین گام در عرصه تأثیرگذاری معیارهای تضمین کیفیت در دانش نوین معیاری سازی نهاد یا مؤلد این دانش می باشد که این روند نیز نیازمند تطبیق معیارهای فوق است و هم چنین جدا از اینکه معیارهای فوق با وحدت درونی یکدیگر می توانند در نوآوری های جامعه علمی مهم تلقی شوند هر معیار به طور جداگانه توانسته است در رفتار سازمانی و دگرگونی های علمی نقش مهمی ایفا نماید.

تطبیق معیارهای یازده گانه ارتقای کیفیت وزارت تحصیلات عالی کشور هر کدام به خودی خود می تواند در راستای ایجاد فضای مناسب جهت برنامه ریزی های راهبردی، تعیین اهداف، سرمایه گذاری در راستای تولید دانش و فراهم آوری امکانات پیشرفته روز مفید واقع شوند تا فراگیران علم و مؤلدان دانش به راحتی با انجام تحقیقات علمی، تألیف کتب، نوشتن مقالات علمی، بررسی چالش ها، فرصت ها و نیازهای جامعه بتوانند از این طریق نقش مفیدی را در راستای سهم گیری در انکشاف جامعه ایفا نمایند.

منابع و مآخذ

۱. ابراهیمی، مهدی. (۱۳۸۴). زمینه ها و عناصر اساسی تولید علم. خبرنامه، شماره ۹.
۲. منصور، جواد. (۱۳۹۳) فرهنگ، سیاست و تولید علم. فصلنامه پژوهشی اندیشه انقلاب اسلامی.
۳. بازرگان، عباس. (۱۳۸۳). ظرفیت بازی برای ارزیابی و ارتقای کیفیت نظام آموزشی ایران. دانشنامه بزرگ فارسی
۴. بازرگان، عباس. (۱۳۹۳). اعتبارسنجی در آموزش عالی؛ دایره المعارف آموزش عالی. ج اول. تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
۵. بازرگان، عباس. (۱۳۷۴). ارزیابی درونی و کاربرد آن در بهبود مستمر کیفیت آموزش عالی. فصلنامه پژوهشی و برنامه ریزی در آموزش عالی، سال دوم.
۶. فراستخواه، مقصود و همکاران. (۱۳۸۶). بررسی رابطه نظام های تضمین کیفیت آموزش عالی با زمینه های فرهنگی و اجتماعی «نقشه شناختی» با تأکید مورد ایران. نامه علوم اجتماعی. شماره ۳۱.
۷. بازرگان، عباس. (۱۳۸۲). ظرفیت سازی بررسی ارزیابی و ارتقای کیفیت نظام آموزش عالی. تجربه های بین المللی مجلس و پژوهش. سال دهم. شماره ۴۱.

۸. ظفری پور، طاهره و همکاران. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی نظام ارزشیابی، اعتبارسنجی و تضمین کیفیت در آموزش عالی سنتی و نوین. نشریه تحلیل مالی. دوره ۱. شماره ۲.
۹. بازرگان، عباس و همکاران. (۱۳۷۹). رویکرد مناسب ارزیابی درونی برای ارتقای مستمر کیفیت گروه‌های آموزشی در پوهنتون‌های علوم پزشکی. مجله روانشناسی و علوم تربیتی «پوهنتون تهران» دوره جدید. شماره ۲۶.
۱۰. راجرز. دانیل و روش رس راجلین. (۱۳۷۰). اقتصاد و آموزش و پرورش. ترجمه سید ابوالقاسم حسینیون. مشهد: معاونت فرهنگی استان قدس رضوی.
۱۱. هابرماس، یورگین. (۱۳۷۲). علم، رسالت پوهنتون در جامعه مدرن. ترجمه حسین علی نوذری. مجله رهیافت. صص: ۹۰ - ۱۰۱.
۱۲. معتدل. محمدرضا، جعفری منش، محمد مهدی. (۱۳۹۲). سنجش اثربخشی برنامه‌ریزی استراتژیک. فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی. شماره ۱۳. صص: ۶۹ - ۹۹.
۱۳. شریعتی، محمدتقی و همکاران. (۱۳۸۵). بررسی برنامه‌های درسی و مهارت‌های برنامه‌ریزی در آموزش علمی - کاربردی. مجله جهاد.
۱۴. شریف زاده. فتاح و همکاران. (۱۳۸۹). فناوری اطلاعات و موفقیت ابتکارات مدیریت دانش. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران. دوره ۲۷ شماره ۱. صص ۱۷۱-۱۸۸.
۱۵. فراستخواه، مقصود و همکاران. (۱۳۸۶). تحلیل مقایسه‌ای نظام‌های تضمین کیفیت آموزش عالی در جهان، وجوه اشتراک و افتراق در تجربه‌های جهانی. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. شماره ۴۴.
۱۶. وب سایت ریاست ارتقای کیفیت و اعتباردهی وزارت تحصیلات عالی جمهوری افغانستان <https://qaad.edu.af>